

Elites in the Strategic Thought of the Supreme Leader of the Islamic Revolution: A perspective with an Emphasis on Civilization Creating by “Humanities Elites”

Iman Erfanmanesh

Assistant Professor, The Faculty of Culture & Communications, Imam Sadiq University,
Ph.D. of Cultural Sociology, Tehran, Iran. i.erfan@isu.ac.ir

Abstract

Regardless of the controversial definitions and indexes of the elite, scientific elites have a significant role in achieving the civilizational goals of the continuous Islamic Revolution. They are seen as the driving force for the comprehensive development of the society. Attention to the humanities elites is one of the current themes in this article. This article has analyzed the statements of the Supreme Leader of the Islamic Revolution on the elites through applying the documentary method and thematic technique, complete sampling, and normative and prescriptive strategy-research approach. In addition to a new presentation of the conventional sociological approaches towards the elites, the researcher has also used the theoretical approach of the social system and group dynamics. All in all, the findings have been organized in four sections namely "the nature of the elites", "the requirements and duties of the officials", "the role and responsibilities of the elites", and "the ethical and personality considerations related to the elites". The results indicate the necessity of strengthening the approach of bilateral social responsibility among the officials and elites. At the end, some practical suggestions have been provided.

Keywords: *Elites, Strategy, Supreme Leader of Islamic Revolution, Humanities, Iran's National Elites Foundation (INEF)*

نخبگان در اندیشه راهبردی رهبر انقلاب اسلامی: چشم‌اندازی با تأکید بر «نخبگان علوم انسانی» تمدن‌ساز

ایمان عرفان‌منش

استادیار دانشکدهٔ م.ا. فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، دکتری تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی،
دارندهٔ جایزهٔ کاظمی آشتیانی از بنیاد ملی نخبگان، تهران، ایران erfana@isu.ac.ir

چکیده

صرف نظر از تعاریف و شاخص‌های بحث‌برانگیز نخبگی، نخبگان علمی سهم بسزایی در دست‌یابی به اهداف تمدنی انقلاب مستمر اسلامی دارند. آنان نیروی محرک و پی‌شیران برای پیشرفت و توسعهٔ همه‌جانبه‌ی جامعه محسوب می‌شوند. توجه به نخبگان علوم انسانی یکی از مضامین جاری در این مقاله است. این مقاله با استفاده از روش اسنادی و تکنیک مضمون‌یابی، نمونه‌گیری کامل و رویکرد راهبرد-پژوهشی هنجاری و تجویزی، به واکاوی بیانات رهبر انقلاب اسلامی دربارهٔ نخبگان پرداخته است. پژوهشگر علاوه بر ارائه‌ای جدید از رویکردهای متعارف جامعه‌شناسی نسبت به نخبگان، از رویکرد نظری سیستم اجتماعی و پویایی گروهی استفاده کرده است. در مجموع، یافته‌ها در چهار بخش شامل «ماهیت نخبگان»، «ملزومات و وظایف مسئولان»، «نقش و تعهدات نخبگان» و «ملاحظات اخلاقی و شخصیتی مربوط به نخبگان» صورت‌بندی شده‌اند. نتایج نشان دهندهٔ لزوم تقویت رویکرد مسئولیت اجتماعی دوجانبه در میان مسئولان و نخبگان است. در پایان، پیشنهادهایی کاربردی ارائه شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: نخبگان، راهبرد، رهبر انقلاب اسلامی، علوم انسانی، بنیاد ملی نخبگان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۰

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۴۰، پاییز ۱۴۰۰، صص ۴۵۵-۴۸۶

مقدمه و بیان مسئله

در فرهنگ عمید، «نخبه» به معنای برگزیده از هر چیز آمده است (عمید، ۱۳۶۲: ۱۰۷۲). معنا و مفهوم نخبه در هر عصر و جامعه‌ای، بنا بر شرایط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر مصادیق متفاوتی دلالت دارد. به علاوه، مسائل، فرصت‌ها و مخاطرات معطوف به نخبگان در هر جامعه‌ای از مبانی فکری آن جامعه سرچشمه می‌گیرد. به هر حال، نخبه بودن گاه به معنای برتری فکری و گاه به معنای امتیازات جسمانی بوده است. مثلاً در فرهنگ غرب در دوره یونان باستان که تفکر و استدلال منطقی، منزلت بالایی به اشخاص می‌داد، نخبگی شامل متفکران و اهل اندیشه بود. در دوره ظهور الهیات دینی و مسیحی، نخبگی به اشخاص متخصص در دین اطلاق می‌شد و اصحاب کلیسا از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بودند. با شکل‌گیری تحولات رنسانس و اعتلای دوباره‌ی مقام انسان، فکر و دستگاه عقلانی، اکتشافی و قدرت تجربی او به اوج و اعتلا رسید. برآمدن عصر روشنگری و اصحاب دایره المعارف نیز، اهمیت نخبگان فکری را نشان می‌دهد. همچنین، معیار برتری نزد اسلام معطوف به رسیدن به ارزش‌هایی همچون تقوا، جهاد و علم است. آیاتی همچون «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ»^{۱)}، «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»^{۲)} و «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^{۳)} گویای معیارهای برتری در جامعه و میان افراد هستند (علی‌بابایی، ۱۳۸۷: ۹۴-۹۲). در این میان در اسلام، طبقه‌ی عالمان و دانایان متمایز شده‌اند. آنان الگوهای اخلاقی، معنوی، رفتاری و ارزشی برای جامعه محسوب می‌شوند (یونس، ۱۳۹۴: ۵۶ و ۵۵). تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد نخبگان نقش مهمی در پیشرفت‌های گوناگون در عرصه‌هایی

همچون؛ علمی، نظامی، صنعتی، ادبی، هنری، حکمی و معرفتی داشته‌اند (نصر، ۱۳۸۴: ۱۲۹ و ۱۳۰) که سهم نخبگان شیعه برجسته است (ولایتی، ۱۳۸۹: ۵۹-۵۷). اکنون که از احیای تمدن اسلامی در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی سخن به میان می‌آید، نخبگان جوان سهم ممتازی بر عهده خواهند داشت.

فهم امور نخبگان نیاز به اندیشه‌ای راهبردی دارد تا پیوندی میان عرصه‌ی نظری و عملی با رویکردی هنجاری و تجویزی برقرار کند. طی دو دهه‌ی اخیر، رهبر انقلاب اسلامی (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای)، تقریباً دیدارهای منظمی با نخبگان (علاوه بر دیدار با دانشجویان و دیدار با اساتید دانشگاه) داشته‌اند که خود، نشان دهنده‌ی ضرورت تکریم و توجه ویژه، نسبت به منزلت نخبگان است. در چند سال اخیر، ایشان بر موضوع نخبگان علوم انسانی نیز تأکیدی مضاعف داشته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

سند راهبردی کشور در امور نخبگان، م صوب جلسه‌ی ۲۴۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۱ است که مشتمل بر چهار فصل یعنی؛ «تعاریف مفاهیم مرتبط با نخبگی»، «چشم‌انداز و اهداف کلان»، «راهبردهای کلان و اقدام‌های ملی» و «چارچوب نهادی الزامات اجرایی» است. در این سند، صرفاً در دو قسمت به علوم انسانی اشاره شده است که یکی به تقویت و گسترش مشاوره‌های تحصیلی و افزایش آشنایی با رشته‌های این علوم اشاره دارد و دیگری به تلاش برای رفع موانع جذب و افزایش جذابیت حضور اجتماع نخبگانی در این علوم پرداخته است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱: ۱۳ و ۱۰). به هر حال، اگر علم به‌مثابه‌ی امری اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شود، آن‌گاه سرشتی ارتباطی، معنایی، فرهنگی و تعاملی در بطن جامعه و فرهنگ پیدا می‌کند. بر این مبنا، تعریف، معیارها و شاخص‌های نخبگان (به‌ویژه در علوم انسانی) نیازمند اقتضائات و ملاحظات مضاعفی خواهد بود.

برای رفع برخی کاستی‌های سازمانی و نیز اهداف تمدنی نسبت به علوم انسانی، از سال ۱۳۹۴ طرحی ملی موسوم به «گفتمان نخبگان علوم انسانی» (به نشانی <https://goftman.ir/sbt>) با هدایت دفتر تبلیغات اسلامی و حمایت معاونت

علمی و فناوری ریاست جمهوری، راه‌اندازی شده است که به صورت آموزش-محور و پژوهش-محور برای شناسایی و پرورش استعدادها برتر فعالیت می‌کند. هدف اعلام‌شده عبارت از؛ ایجاد ظرفیت علمی لازم در دانشجویان نخبه‌ی علوم انسانی برای ورود فعال به عرصه گفتمان‌سازی، آموزش، پژوهش و نظریه‌پردازی در مطالعات انتقادی علوم انسانی و تحول در علوم انسانی است.

در کنار سند راهبردی نخبگان و اقداماتی همچون؛ طرح گفتمان نخبگان علوم انسانی، محورهای راهبردی مستخرج از بیانات رهبر انقلاب اسلامی می‌تواند، زمینه‌ای مناسب برای سامان‌دهی بهتر امور به نخبگان، فهم نخبگان و مسیر پیش‌روی نخبگان باشد. این ضرورت به ماندگاری ظرفیت دانشجویان جوان و نخبگان جوان در کشور برای استمرار پیشرفت ایران اسلامی کمک می‌کند. صرف نظر از مسئله‌ی مهاجرت نخبگان که البته در نوبه‌ی خود حائز اهمیت است (توکل و عرفان‌منش، ۱۳۹۴)، باید توجه داشت که الزاماً، هر گونه مهاجرت دانشجویان جوان به معنای مهاجرت نخبگان (یا تعبیر مصطلح آن یعنی فرار مغزها) نیست.

طبق اعلام مرکز رصدخانه‌ی مهاجرت ایران، وابسته به پژوهشکده‌ی سیاست‌گذاری دانشگاه صنعتی شریف و مورد حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری (که سامانه‌ی <https://imobs.ir> را راه‌اندازی کرده‌اند)، میزان مهاجرت دانشجویان ایرانی طی سال‌های اخیر افزایش داشته و در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ با افزایش ۲/۳ برابری همراه بوده است، به طوری که این آمار از ۱۷۴۷۷ نفر در سال ۲۰۰۰ به ۵۶۳۷۶ نفر در سال ۲۰۱۸ رسیده است. در این مدت، رتبه‌ی دانشجویان فرستی ایران از رتبه‌ی ۲۸ در جهان به رتبه ۱۲ افزایش یافته است. منطقه‌ی آمریکای شمالی و اروپای غربی، همواره مقصد محبوب دانشجویان ایرانی برای تحصیل در خارج از کشور بوده، اما طی سال‌های اخیر به دلیل سیاست‌گذاری‌های سخت‌گیرانه‌ی روادید در آمریکا، افزایش نرخ دلار و شیوع کرونا، افزایش شمار دانشجویان ایرانی در کشورهای هم‌چون آلمان، کانادا، ایتالیا که قوانین ساده‌تری نیز برای پذیرش دانشجویان دارند و همچنین، کشورهای همسایه همچون ترکیه و ارمنستان که هزینه‌ی تحصیل در آنها پایین‌تر می‌باشد، رخ داده است. از سال

۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۱، نرخ بازگشت متخصصان و دانش‌آموختگان ایرانی به داخل کشور روند صعودی داشته است. نرخ بازگشت متخصصان ایرانی، سبب ارتقای شاخص خالص چرخش نخبگان ایرانی از تراز ۰/۳۹- در سال ۲۰۱۰ به ۰/۲۴- در سال ۲۰۱۸ شده است. همچنین در ایران، جمعیت دانشجویان خارجی از حدود ۵۵۰۰ نفر در سال ۱۳۹۰ به حدود ۴۴۳۰۰ نفر در سال ۱۳۹۹ رسیده است (صلواتی، ۱۴۰۰).

بنا بر آنچه گفته و آماری که مرور شد، توجه به اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی می‌تواند، ابعاد و اضلاع گوناگونی را برای اتخاذ تدابیر و سیاست‌ها در قبال دانشجویان جوان و نخبگان جوان ترسیم نماید. این مقاله تلاش می‌کند تا مفهوم نخبه، و وظایف مسئولان در قبال آنها، تعهدات نخبگان به جامعه و نیز ملاحظات اخلاقی مربوط به نخبگان را از بیانات رهبر انقلاب اسلامی به صورت راهبردی استخراج و ارائه نماید.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف مطالعه‌ی حاضر عبارت است از؛ استخراج محورهای اساسی درباره‌ی نخبگان، بر مبنای اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی به منزله‌ی یک چشم انداز (با تأکید بر نخبگان علوم انسانی). سؤال اصلی مقاله این است که نخبگان در اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی چگونه دیده شده‌اند و شامل چه ملاحظاتی بر مبنای فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف است؟

۲. پیشینه پژوهش

مرور پیشینه نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی به طور مستقل و رسمی به واکاوی تحلیلی بیانات رهبر انقلاب اسلامی درباره‌ی نخبگان نپرداخته است؛ اما با توجه به محتوا و مضامین این پژوهش در سایر ابعاد نظری، نزدیک‌ترین موارد به شرح زیر معرفی و سپس، جمع‌بندی می‌شوند.

عرفان‌منش (۱۴۰۰)، در پژوهشی به ارزیابی وضعیت حکمرانی پایدار در شورای تحول علوم انسانی در چارچوب بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته

است. بر طبق پژوهش مذکور، پایداری علوم انسانی متناظر با انقلاب اسلامی و رویکرد تمدن سازان‌ی آن، نیازمند صیانت شدن در برابر گفتمان‌های رقیب است. جلوگیری از «تروریسم علمی» در عرصه‌ی علوم انسانی یکی از محورهای موضوعی راهبردی برای حکمرانی در عرصه‌ی علوم انسانی است. از این رو، حمایت و جذب نخبگان جوان و اساتید دارای انگیزه و معتقد به گفتمان انقلاب اهمیت دارد.

روحانی و دیگران (۱۳۹۸)، نظریه‌ی زمینه‌ای از رویارویی نخبگان جوان با بروکراسی بنیاد ملی نخبگان ارائه داده‌اند. عمده‌ترین مباحث، مشتمل بر محورهای زیر است؛ بنیاد کم‌تجربه، بنیاد در حال گذار به سازمانی اداری، بی‌ملاحظگی کامل بنیاد به رویه‌های گذشته‌ی خود، غیر منعطف بودن، کم‌بازدهی و کار نابلدی برخی کارمندان، وجود آیین‌نامه‌های تفسیرپذیر و بدون شمول‌گرایی و ضد نخبه، تقسیم‌کار ضعیف، دوری از کارهای جمعی، سنجش‌های کمی‌گرایانه و نظام نظارت و داوری معیوب، و وضعیت بیمارگون سازمان، غیرهوشمندی، رابطه‌ی سالاری، مهندسی‌مدار، دوندگی زیاد نخبگان برای رسیدن به نتایج، وجود تنش و ناکارآمدی.

روحانی و انبارلو (۱۳۹۷)، مطالعه‌ای کیفی از جایگاه نخبگان جوان ایرانی انجام داده‌اند. مباحث و نتایج این پژوهش عبارت هستند از؛ جایگاه نامطلوب و ظاهری نخبگان در اجتماع، شرایط نامساعد و پیش‌بینی ناپذیر برای فعالیت علمی، کاری و سیاسی نخبگان در بستر عدم حمایت از سوی بنیاد، دورنمای آینده‌ای تاریک و ترسناک در تصور نخبگان، راهکارهای جمعی و شخصی نخبگان برای بهبودی جایگاه‌شان در اجتماع، کسب موفقیت‌های شخصی از دریچه‌ی برنامه‌ریزی‌های شخصی، خسران نخبه بودن و تلاش برای گذار از بنیاد و گذار پُرگداز از کشور (فرار مغزها).

روحانی و دیگران (۱۳۹۵)، بر ساخت فهم و تجربه‌ی سرآمدان از فرآیند مشارکت در برنامه‌های بنیاد ملی نخبگان را به پژوهش گذاشته‌اند. هفت مقوله، احصا و جمع‌بندی شده‌اند؛ مشارکت‌جویی نخبگان در برنامه‌ها، برنامه‌های جذب و جلوگیری از خروج نخبگان، برنامه‌های ایدئولوژی‌گرای کم‌کارکرد، طراحی

برنامه‌های جایگزین به گزینش نخبگان، برنامه‌های جایگزین لغوشده، ناامیدی نخبگان و ناتوانی در جذب سرمایه‌ها و گذار از بنیاد.

طالب‌زاده و خادمی (۱۳۹۷)، در پژوهشی به مدیریت بهینه‌ی منابع انسانی نخبه با بررسی نیازها، موانع، مشکلات و راهکارهای پیشنهادی از دیدگاه خود آنها پرداخته‌اند. نیازها، شامل اشتغال متناسب با توانمندی‌ها و تسهیل در ادامه‌ی تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی و همچنین، مشکلات و موانع شامل بروکراسی اداری و توجیه نبودن دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات و سازمان‌های مرتبط با امور نخبگان، مشکلات تسهیلات ارائه توسط بنیاد و بی‌توجهی به نخبگان برخی حوزه‌ها از جمله علوم انسانی هستند.

زهره‌ای و دیگران (۱۳۹۷)، به بررسی وضعیت ظرفیت‌سنجی توسعه‌ی فرآیند به کارگیری نخبگان، بر مبنای دیپلماسی فرهنگی کشور مبادرت کرده‌اند. تمرکز پژوهش بر بررسی بستر سازی فضای فعالیت نخبگان، بهره‌برداری از ظرفیت ایده پردازی نخبگان، تناسب‌سازی حضور نخبگان بر مبنای دیپلماسی فرهنگی و وضعیت ساختار و مجموعه‌ی قوانین فرهنگی کشور، معطوف است.

یزدانی‌نسب (۱۳۹۴)، به بررسی انتقادی نظریه‌ی نخبگان در علوم اجتماعی و مفهوم پردازی مجدد آن با تأکید بر ساختار اقدام کرده است. در ابتدا، دو دیدگاه کلاسیک و معاصر واکاوی شده و سپس، دو رویکرد کارکردگرا و انتقادی به نخبگان معرفی شده‌اند. توان ساختاری در دو بُعد منابع قدرت و سازمان نخبگان می‌تواند به تحقق و اثربخشی نخبگان منجر شود. روابط نخبگان بر اساس نوع و شدت تضاد می‌تواند، طیفی از تضاد ایدئولوژیک، تضاد منافع، ائتلاف، توافق یا وفاق را شامل شود.

جمع‌بندی پژوهش‌ها حاکی از حرکت ادبیات تولیدی در دو مسیر است: نخست، نوعی آسیب‌شناسی سازمانی بنیاد ملی نخبگان بر اساس تجربه‌ی زیسته‌ی نخبگان و راهکارهای فائق آمدن بر مسائل و دوم، تلاش نظری برای سامان دادن به مفهوم و مصادیق نخبه که چندان به نتیجه‌ی کاربردی و عملیاتی نرسیده است. این پژوهش، علاوه بر تعقیب اهداف اصلی خود، تلاش مستقلی برای ارائه‌ی

چارچوبی از رویکردهای متعارف جامعه‌شناسی ترتیب می‌دهد که برای پژوهش‌گران آینده نیز قابل بهره‌مندی باشد.

۳. ملاحظات مفهومی و نظری

در این بخش، پس از تعریف مفهوم اصلی مقاله (یعنی نخبگی) که دربرگیرنده‌ی واکاوی مفهومی و سنجشی استعداد درخشان و نخبه است، مبانی نظری شامل سه بخش زیر مرور می‌شوند: رویکردهای متعارف جامعه‌شناسی به نخبگان؛ رویکرد نظری سیستمی و پویایی گروهی به نخبگان؛ چالش «بروکراسی-نخبگان» و راهکار «مسئولیت اجتماعی». در پایان، جمع‌بندی نظری بیان می‌شود.

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. واکاوی مفهومی و سنجشی استعداد درخشان و نخبه

در آغاز باید تصریح کرد که بیم آن وجود دارد، واژه‌ای که معنی و مفهوم کلی، فراگیر و بسیار گسترده‌ای داشته باشد، از محتوا خالی شده و افاده‌ی هیچ معنایی را نکند. شاید وجه متناقض‌نمای مفهوم «نخبه» در همین جا نهفته است. چنانچه تعاریف ژنتیکی از نخبگی، موقتاً در پرانتز گذاشته شوند، می‌توان از مبنایی پسینی مبتنی بر شناخت انسان به‌منظور تعریف «نخبه» آغاز کرد. بر اساس تعریف مشهوری که آبراهام مازلو از سلسله مراتب نیازها ارائه داده است، نیازهای کلی و عمومی تمام انسان‌ها شامل چند دسته‌ی اساسی هستند (ویتن، ۱۳۸۵: ۲۳۷)؛ مادی، ایمنی و امنیت، تعلق‌پذیری و محبت، تکریم، احترام و کسب شهرت، شناختی، خودشکوفایی استعدادهای. بر این اساس، احراز نخبگی معطوف به گذار از زمینه‌هایی از سطح سوانق به سطح بینشی است. سیر تکاملی نگرش به انسان در دنیای مدرن مسیری را نشان می‌دهد که شامل انسان عقلانی-اقتصادی، انسان اجتماعی، انسان خودیاب و انسان پیچیده و چند-بعدی است (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۷۳).

نظریات متعددی درباره‌ی نخبگان وجود دارد، برخی مانند افلاطون نخبگی را

انتسابی-بیولوژیکی می‌دانند که بر طبق آن، انسان‌ها را به مس و مفرغ-صفتی، نقره-صفتی و طلا-صفتی تقسیم می‌کند (افلاطون، ۱۳۶۳: ۱۵۳) و اکثر نظریات دیگری هم هستند که نخبگی را با تلاش اکتسابی افراد همراه می‌دانند. همچنین، رویکردهایی هستند که بر پیوند منافع طبقات نظامی، سیاسی یا اقتصادی با احراز عنوان نخبگی دلالت دارند. ماکس وبر؛ گائتانو موسکا؛ ویلفردو پاره‌تو^۳ و سی. رایت میلز^۴ از جامعه‌شناسان شاخصی هستند که به بحث نخبگان از منظرهای متفاوتی پرداخته‌اند. همچنین از میان متأخران، پی‌یر بوردیو^۵ تحلیل چند-جانبه‌ای از منظر فرهنگ و سبک زندگی مربوط به طبقات مختلف ارائه داده که بر طبق آن، نخبگی اساساً، خاستگاهی معطوف به طبقات بالاست (عرفان‌منش و بستان، ۱۳۹۴).

از نظر گی‌روشه؛ نخبگان اشخاص و گروه‌هایی هستند که در نتیجه‌ی قدرتی که به‌دست می‌آورند، یا تأثیری که بر جای می‌گذارند، یا تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند یا ایده‌ها، احساسات و هیجاناتی که به‌وجود می‌آورند، در کنشگری برای جامعه مؤثر واقع می‌شوند (گی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). انواع نخبگان عبارت هستند از: نخبگان سنتی و مذهبی، نخبگان تکنوکراتیک، نخبگان مالکیت، نخبگان کاریز ماتیک، نخبگان سمبولیک و نخبگان ایدئولوژیک و معنوی. راه‌های تأثیر نخبگان بر جامعه عمدتاً از دو طریق تصمیم‌گیری و الگوسازی رقم می‌خورد (گی، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۲۱). کارل مانهایم^۶ نخبگان را به سه دسته تقسیم می‌کند؛ نخبگان سازمانی و سیاسی، نخبگان فکری و هنری و نخبگان دینی و اخلاقی (Hartmann, 2007: 27).

در مجموع امروزه، مفهوم نخبه با قلمرو علمی قرابت یافته است. اصطلاح استعداد درخشان (Gifted) در محیط‌های آموزشی از اوایل دهه‌ی ۱۹۲۰ هنگامی که

۱M. Weber

۲G. Mosca

۳V.F.D. Pareto

۴C.W. Mills

۵P. Bourdieu

۶G. Rocher

۷K. Mannheim

لوئیس ترمن؛ مطالعه‌ای را درباره‌ی دانش‌آموزان با بهره‌ی هوشی بالا هدایت می‌کرد، به‌کار گرفته شد (اینس‌ورث، ۱۳۹۴: ۱۱۳). نخبگان ممکن است در عرصه‌های مختلفی همچون هنری، ورزشی و علمی دارای استعداد خارق‌العاده‌ای باشند. همان‌طور که ممکن است در برخی دیگر از عرصه‌ها، کندتر عمل کنند. در سند راهبردی کشور در امور نخبگان، نخبه این چنین تعریف شده است: «به فردی برجسته و کارآمد اطلاق می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشد و همچنین، فعالیت‌های وی بر پایه‌ی هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱: ۵). یکی دیگر از خصایصی که با مفهوم نخبه پیوند یافته، جوانی است. البته طبق اثر ماتیو (Matthew Effect)، دانشمندان برجسته اعتبار زیاد و نامتناسبی برای خدمت‌شان به علم دریافت می‌کنند، درحالی‌که اشخاص جوان و نسبتاً ناشناخته در قبال خدمت مشابه اعتبار اندکی به‌دست می‌آورند (Merton, 1998).

یکی از چالش‌ها برای کشف و شناسایی نخبگان، شاخص‌ها و ملاک‌های ارزیابی است. چه بسا نخبگان بالقوه‌ای باشند که به‌دلیل وجود مشکل یا نقص در شاخص‌ها (یعنی همه‌جانبه نبودن معیارها)، اساساً شناخته‌نشده‌اند. از این‌رو، پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند که هنگامی علمی بومی در تشخیص نخبگان در نظر گرفته شود (اینس‌ورث، ۱۳۹۴: ۱۱۵ و ۱۱۶). البته سابقه‌ی علمی نشان می‌دهد که هر چه قدر هم که یک مفهوم، کیفی و دارای دامنه‌ی شمول وسیع باشد، بالأخره گزیری از شاخص‌سازی به‌منظور سنجش و کمی‌پذیری نیست. و وضعیت بین‌المللی و رویه‌ی بنیاد ملی نخبگان در ایران نیز مشتمل بر کاربرگ‌های ارزیابی دارای مقوله‌هایی با تعیین سقفی از ضرایب عددی است که سطح استعدادهای برتر، سرآمدان و نخبگان را مشخص و درجه‌بندی می‌کند.

۳-۱-۲. سطوح تحلیلی مفهوم نخبگی

برای فهم جماعت نخبگان، صرف نظر از دیدگاه‌های زیست‌شناختی، می‌توان از دریچه‌ی مفهومی و تحلیلی علوم مختلف انسانی بهره‌مند شد. به‌نظر می‌رسد؛ علمی همچون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، مدیریت و روان‌شناسی، مبانی تعریفی و تحلیلی متفاوتی را پیشنهاد می‌کنند. سطح تحلیل موضوع نخبگان در هر یک از این علوم میان طیفی از سطوح خرد(فردی)، میانه(گروهی) و کلان(جامعوی) جای می‌گیرد. جامعه‌شناسی متعارف به فهم نخبگان به عنوان گروهی عمدتاً اقلیت از کنشگران و عاملان در بستر ساختار و شرایط اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. از این منظر، توجه به متغیرهای اجتماعی و تا حدودی جمعیت‌شناختی در شناسایی و فهم زندگی نخبگان اهمیت دارد. نخبگان از دنیای اجتماعی تأثیر می‌گیرند و بر حسب آن تعیین می‌یابند، و نیز به نوبه‌ی خود بر جامعه اثر می‌گذارند. علوم سیاسی عمدتاً نگاهی از بالا(عرصه‌ی حکومت) به تأثیر و نقش نخبگان قدرت دارد؛ مثلاً این‌که رابطه‌ی تأثیری نخبگان و حکومت در چه فرآیندهایی رقم می‌خورد. علم مدیریت نخبگان را به‌مثابه‌ی سرمایه‌ی انسانی ممتاز برای سازمان‌ها مطالعه می‌کند؛ مثلاً این‌که، چگونه دانش و مهارت نخبگان، بهره‌وری یک شرکت را افزایش می‌دهند. سرانجام، روان‌شناسی به ویژگی‌های شخصیتی و فردی نخبگان از جمله هوش آنان متمرکز است.

جدول ۱. سطح تحلیل و محور موضوعی برخی علوم انسانی نسبت به نخبگان

علم	سطح تحلیل	محور موضوعی
جامعه‌شناسی	خرد، میانه و کلان	* توجه به ساختار و شرایط اجتماعی و فرهنگی * تأثیر و تأثر میان نخبگان و عوامل اجتماعی
علوم سیاسی	میانه و کلان	* عمدتاً نگاهی از بالا(عرصه حکومت) * رابطه تأثیری نخبگان و حکومت
مدیریت	خرد و میانه	* نخبگان به‌مثابه سرمایه انسانی ممتاز در سازمان * تأثیر دانش و مهارت نخبگان در افزایش بهره‌وری
روان‌شناسی	خرد	* ویژگی‌های شخصیتی و فردی * هوش نخبگان

منبع: مؤلف

۳-۲. مبانی نظری

۳-۲-۱. رویکردهای متعارف جامعه‌شناسی به نخبگان

بر اساس استنباط نظری پژوهشگر، در مجموع برخی رویکردهای متعارف و عمده در جامعه‌شناسی برای فهم نخبگان را می‌توان به شرح زیر صورت‌بندی کرد:

۱. در رویکرد کارکردگرایانه، نخبگان به‌عنوان گروهی از افراد تلقی می‌شوند که در خرده نظامات مختلف اقتصاد، سیاست، حقوق، خانواده، آموزش و رسانه حضور دارند و عملکرد آنها در هر خرده نظام، دارای کارکرد مؤثر در بقای کل نظام اجتماعی است. حضور آنها مسیر وفاق، دست‌یابی به اهداف، حفظ نظم و استمرار حیات جامعه را تسهیل می‌کند. نخبگان به استمرار فرآیند جامعه‌پذیری و پرورش دیگران نیز کمک می‌کنند. البته حضور نخبگان در جامعه ممکن است آثار ثانوی، ناخواسته و کژکارکردی نیز به‌همراه داشته باشد.

۲. در رویکرد انتخاب عقلانی که متأثر از اقتصاد نوکلاسیک است، کنشگران دارای اهداف معین هستند که باید با سامان‌دهی منابع، شرایط محیطی و انتخاب بهترین ابزار به بیش‌ترین سود دست یابند. آنها اولویت‌ها و منافع را دارند که باید بر اساس منطق هزینه-فایده آنها را محقق سازند. نخبگان کسانی هستند که در فرآیند مذکور بیش‌ترین موفقیت را دارند.

۳. در رویکرد تضاد که جامعه شامل گروه‌هایی با اهداف گوناگون و بعضاً متضاد دیده می‌شود، نخبگان هر جرگه نقش اساسی در جلب و کسب منافع به سود گروه خود دارند. آنها سردمداران افرادی هستند که به دنبال برهم زدن نظم کنونی و ایجاد نظام مطلوب معطوف به منافع پنهان و آشکار و دیدگاه خود هستند. این نخبگان هر گروه هستند که مذاکره، چانه‌زنی و فشار را سامان می‌دهند و هدایت می‌کنند.

۴. در رویکرد تفسیری و جامعه‌شناسی خرد، تمرکز بر وجوهی مانند تعریف نخبگان از خود، نگرش هویتی و سهم دیدگاه دیگران در شکل‌گیری منزلت نخبگان، نظام باورها و ارزش‌های نخبگان، معانی و نمادهای موجود میان نخبگان و فهم و پذیرش میان‌ذهنی در بستر زندگی اجتماعی همراه با سایر کنشگران اهمیت دارد.

جدول ۲. برخی رویکردهای متعارف و عمده در جامعه‌شناسی برای فهم نخبگان

سطح تحلیل	محور موضوعی و تمرکز تحلیلی
کارکردگرایانه	* حضور دارای کارکرد مؤثر در بقای کل نظام اجتماعی * تسهیل مسیر وفاق، دستیابی به اهداف، حفظ نظم و استمرار حیات جامعه * کمک به استمرار فرآیند جامعه‌پذیری و البته دارای آثار ثانوی، ناخواسته و کژکارکردی
انتخاب عقلانی	* سامان‌دهی منابع و شرایط محیطی و انتخاب بهترین ابزار برای رسیدن به بیش‌ترین سود * موفق‌ترین گروه در به‌کارگیری منطق هزینه-فایده برای رسیدن به اولویت‌ها و منافع
تضاد	* جلب و کسب منافع به سود گروه خود * برهم زدن نظم کنونی و ایجاد نظام مطلوب معطوف به منافع پنهان و آشکار * سامان‌دهی مذاکره، چانه‌زنی و فشار
تفسیری و جامعه‌شناسی خرد	* تعریف نخبگان از خود و نگرش هویتی * توجه به نظام باورها و ارزش‌های نخبگان، معانی و نمادهای موجود میان آنان و فهم و پذیرش میان-ذهنی

منبع: مؤلف

۳-۲. رویکرد نظری سیستمی و پویایی گروهی به نخبگان

در کنار رویکردهای متعارف جامعه‌شناسانه که به آنها اشاره شد، فهم نخبگان با رویکرد نظری سیستم اجتماعی و پویایی گروهی کاربرد بیش‌تری دارد و با مقاصد راهبردی و سیاستی این پژوهش هماهنگ‌تر است. در این منظر، نخبگان در یک سیستم اجتماعی قرار می‌گیرند. شناخت سیستمی به چگونگی روابط و سازمان‌یافتن مؤلفه‌های تشکیل دهنده‌ی آنها تأکید می‌کند. سیستم‌های اجتماعی را افراد، به وجود می‌آورند و هسته‌ی آنها، کنش یا الگوهای پیچیده‌ی رفتاری در افراد است. این شبکه‌ی روابط و فعالیت‌های الگودار متأثر از تلقی، ادراکات، اعتقادات، انگیزش، عادت‌ها و انتظارات کنشگران است. بر این اساس، لازم است که چند اصل وجود داشته باشد: ۱. باید بتواند هدف اصلی خود را محقق سازد، ۲. با سایر سیستم‌ها سازگار باشد، ۳. خود را در برابر تهدیدهای بیرونی و درونی حفظ کند، ۴. در عاملان انسانی انگیزه ایجاد کند، ۵. روش‌های مؤثری برای تقسیم‌کار، ساختار اختیارات، تعریف مشاغل و نقش‌ها، ساختار منزلت و پاداش داشته باشد، ۶. اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی را بین اعضا حفظ کند، ۷. حداقلی از کنترل را اعمال کند و ۸. نظم و تعادل خود را حفظ کند (Schneider, 1957: 24-25).

همچنین، عواملی که می‌تواند انسجام گروهی را تقویت یا تضعیف کند، عبارت هستند از (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۳۰ و ۲۳۱): شدت رابطه، موفقیت گروه، اندازه ی گروه، ترکیب گروه، شرایط داخلی و خارجی و محیط فیزیکی. هر یک از این عوامل در بررسی و وضعیت نخبگان مؤثر خواهد بود. ضمناً، شاخص‌هایی وجود دارد تا تجمع عده‌ای از افراد (در این جا یعنی نخبگان)، گروه محسوب شود (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲۰): ۱. وجود تعامل منظم و الگودار بین اعضای گروه، ۲. وجود احساسات، تمایلات و عواطف مشترک بین آنها، ۳. وجود اهداف مشترک بین اعضا، ۴. وجود ساختار و روابط نسبتاً پایدار یعنی وجود تشکل علاوه بر تجمع، ۵. وجود هویت مشترک بین اعضای گروه و احساس تعلق به گروه، ۶. وجود هنجارها و ارزش‌های مشترک و ۷. شناخت افراد از یکدیگر.

۳-۲-۳. چالش «بروکراسی-نخبگان» و راهکار «مسئولیت اجتماعی»

رویکرد سیستم اجتماعی و پویایی گروهی برای مطالعه‌ی نخبگان مناسب است، اما در دنیای واقعی اجتماعی عمدتاً، سیستم‌های معطوف به رسیدگی نسبت به امور نخبگان از نوع رسمی و در قالب بروکراسی‌های مرسوم است. مضافاً، مواجهه ی تجاری (بنگاهی)، با نخبگان و دست‌آوردهای آنها یا احیاناً، تبدیل شدن منطق معادلاتی به معیار شناسایی نخبگان به تشدید برخی مناسبات ناهم‌ساز مربوط به امور نخبگان دامن می‌زند. از این جا، چالشی به وجود می‌آید که پرداختن اجمالی به آن ضروری می‌نماید.

آسیب‌های نگرش سازمانی به نخبگان موضوع حساس و حائز اهمیتی است. نگاه ارباب رجوعی به نخبگان از سوی سازمان‌های اجتماعی متولی، ممکن است به تدریج نگرش انعطاف‌ناپذیر، تطبیق‌ناپذیر و غیرخلاق به افراد را دامن بزند. در این صورت قدرت، جانشین تخصص می‌شود و ارتباطات و گشودگی را تخریب می‌کند (Klagge, 1997: 63-68). این امکان وجود دارد که شخصیت نخبه با شرایط اطاعت و سازگاری بیش از حد، نسبت به قواعد بروکراتیک مواجهه شود. به‌عنوان نمونه، نگرش به مقررات و دستورالعمل‌ها به عنوان ابزار تسهیل‌کننده، خود به

اهداف تبدیل شوند. ویلیام وایت بر این باور است که آزمون‌های راه‌یابی به یک مجموعه و سازمان، می‌تواند اصالت یابد و این خلاف روحیه‌ی استقلال، آزادی، ابتکار، خلاقیت، پرورش و شکوفایی استعدادها‌ی انسانی است. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که انسان‌های امروزی، تبدیل به انسان سازمانی می‌شوند؛ یعنی تفوق معیارهایی از صلاحیت که سازمان تعیین کرده است (Whyte, 1956: 13).

در بحث از منطق تجاری و بنگاهی نیز، باید اشاره کرد که بسیاری از محافل علمی ایران، بیش از اندازه و به طور بی‌رویه و حتی ظاهرسازانه‌ای، درگیر فکر تجاری‌سازی علم، آن هم با نام کارآفرینی شده‌اند. این رویه ممکن است به مک دونالدی شدن دانشگاه منجر شود (فراست‌خواه، ۱۳۹۷: ۱۸۵). اکثر دانشگاه‌ها به یک دیوان‌سالاری دولتی، گره خورده‌اند و از هر جهت (مثل بودجه، بخش‌نامه و غیره) چشم به آن‌جا دوخته و وابسته شده‌اند (فراست‌خواه، ۱۳۹۷: ۱۸۸). اساساً، استقرار کیفیت با روش‌های دیوان‌سالار دولتی جواب نمی‌دهد (فراست‌خواه، ۱۳۹۷: ۲۵۱). از این‌رو، نخبه‌گرایی علمی می‌تواند به یک مخاطره تبدیل شود و راه حل این است که ترویج علم یا عمومی‌سازی علم صورت پذیرد. علم باید در بطن زندگی نقش داشته باشد (فراست‌خواه، ۱۳۹۷: ۲۷۴). رویکردهای سال‌های اخیر، بر مفهوم مسئولیت اجتماعی متمرکز شده‌اند. مسئولیت اجتماعی سازمان بر توجه آن به رابطه اش با جامعه و تعهد به حفظ مشارکت و تأمین اهداف جامعه، به عنوان یکی از اجزای آن دلالت دارد. سازمان باید در اتخاذ تصمیمات و انجام فعالیت‌ها، اصول پاسخ‌گویی و شفافیت را سرلوحه‌ی کار خویش سازد (Frederick & et al, 1999).

جمع‌بندی نظری؛ این مقاله از رویکرد تفسیری - که شرح آن گذشت - بهره برده است. همچنین، در واکاوی بیانات رهبر انقلاب اسلامی و تحلیل تلاش کرده است تا بر رویکرد نظری سیستمی و پویایی گروهی به نخبگان و نیز رویکرد مسئولیت اجتماعی متمرکز کند.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از روش اسنادی (DRM) با تکنیک تحلیلی مضمون‌یابی برای

استخراج اندیشه‌ی راهبردی استفاده کرده و یافته‌ها را به شیوه‌ای چند-مرحله‌ای، کدگذاری و طبقه‌بندی کرده است (صادقی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴). به این منظور، به دو پایگاه مربوط به بیانات رهبر انقلاب اسلامی یعنی؛ <https://farsi.khamenei.ir> و <https://www.leader.ir>، مراجعه شد و با استفاده از نمونه‌گیری کامل موسوم به تمام شماری، بیانات معطوف به نخبگان از سال ۱۳۶۸ تا نیمه‌ی سال ۱۴۰۰ جست‌وجو و واکاوی اولیه شد. واکاوی ثانویه نشان داد که مضامین مورد نظر پژوهش عملاً، شامل بیانات از سال ۱۳۸۰ هستند. در ادامه، رویکرد راهبرد-پژوهشی هنجاری و تجویزی انتخاب و مبنا قرار گرفته است. شکل‌گیری راهبرد، حاصل نوعی فرآیند تحلیلی و قاعده‌مند است که باید عوامل درونی و عوامل بیرونی (شامل نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدها) را به‌منظور بهره‌مندی از منافع نهفته در فرصت‌ها و اجتناب از زیان‌ها، هماهنگ و پایش کرد. راهبردها، چارچوبی از بایدها و نبایدهای هنجاری را به‌منظور تغییر در جهت مطلوب فراهم می‌آوردند. امور راهبردی بلندمدت، واقع‌شده در محیطی رقابتی و دارای نقش حیاتی هستند (وردی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۹۴: ۱۵۶-۱۵۲).

از نظر آلفرد چندلر، راهبرد به معنای تعیین اهداف بلندمدت یک سازمان و گزینش مجموعه‌ی اقدامات و تخصیص منابع لازم برای دستیابی به این اهداف است (وردی‌نژاد و بهرامی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). از نظر هنری میتزبرگ، چند تلقی از راهبرد وجود دارد (Mintzberg, 1994):

۱. راهبرد به منزله‌ی برنامه (Plan) که عبارت است از: مجموعه عملیات آگاهانه یا راهنمایی‌هایی که برای مواجهه با یک موقعیت وجود دارد.
۲. راهبرد به منزله‌ی الگو (Pattern) که عبارت از جریان اعمال و به معنای ثبات و تداوم الگوی رفتاری است.
۳. راهبرد به منزله‌ی موقعیت (Position) که عبارت از نیروی واسط و به معنای رابط میان سازمان با محیط و موقعیت سازمان است.

۱A.D. Chandler

۲H. Mintzberg

۴. راهبرد به منزله‌ی دیدگاه (Perspective) که عبارت از جهان‌بینی و به معنای شیوه‌ی نگاه کردن به جهان می‌باشد.

در سطحی پایین‌تر لازم است که برای راهبردها، سیاست‌هایی جزئی‌تر در نظر گرفته شود تا به مرحله‌ی کاربردی نزدیک‌تر شود. به‌طور کلی، باید به سلسله مراتب ارزش، هدف و سیاست توجه کرد. ارزش عبارت است از ترجیحات و اولویت‌های مادی و معنوی که انسان‌ها در منش زندگی خود قائل می‌شوند. این ارزش‌ها، متأثر از مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی هستند. هدف، عبارت است از مقاصدی که در زمینه‌های گوناگون دنبال می‌شوند تا ارزش‌هایی را محقق سازند. پس، اهداف جزئی‌تر و متنوع‌تر از ارزش‌ها مطرح می‌شوند. برای دستیابی به یک هدف خاص، می‌توان به اتخاذ سیاست‌هایی مبادرت ورزید که شامل راهکارهای اجرایی است (اشتریان، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۵). انواع اقدامات سیاستی مشتمل هستند بر (Dunn, 1981):

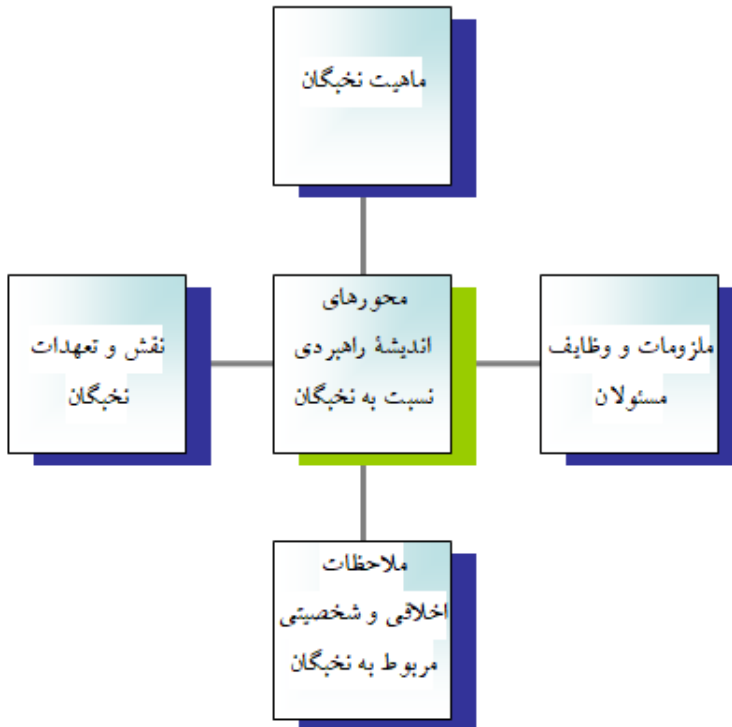
۱. اقدامات تنظیمی که برای اطمینان یافتن از مطابقت سیاست‌ها با معیارها و فرآیندهای ویژه‌ای، طراحی و اجرا می‌شوند.
۲. اقدامات تخصیصی که مستلزم ایجاد نتایج خروجی‌هایی در زمینه‌ی مسائل مالی، زمانی، نیروی انسانی و تجهیزات هستند.
۳. ورودی‌های سیاستی که شامل منابعی همچون زمان، پول، نیروی انسانی و امکانات برای اقدامات و وظایف مطرح در برنامه‌ها هستند.
۴. فرآیندهای سیاستی که شامل فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌های اداری و سیاسی هستند.

۵. یافته‌های پژوهش

پرسش اصلی مقاله این بوده که نخبگان در اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی چگونه دیده شده‌اند و شامل چه ملاحظاتی بر مبنای فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف است؟

در پاسخ به پرسش مذکور، پس از کدگذاری چندمرحله‌ای بیانات، نتایج معطوف به اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی در چهار محور نهایی، طبق

شکل زیر صورت‌بندی شده‌اند که در ادامه، جزئیات هر یک ارائه می‌شوند. ذکر این نکته ضروری است که به منظور رعایت اصل اختصار در مقاله در این بخش، صرفاً مطالب و تحلیل‌های مربوط به بیانات رهبر انقلاب اسلامی آورده و در بخش پیوست مقاله، لینک کامل بیانات ارائه می‌شوند^(۴).



تصویر ۱. محورهای اندیشه‌ی رهبردی رهبر انقلاب اسلامی نسبت به نخبگان

۵-۱. ماهیت نخبگان

رهبر انقلاب اسلامی ماهیت نخبگان را مشتمل بر جنبه‌های معنوی و نیز استعدادهای درونی و پرورشی می‌داند. برای نخبگان، رسالتی تاریخی و عظیم قائل هستند؛ به طوری که نخبگان به عنوان موتور محرک انقلاب تلقی می‌شوند. ایشان در تعریف نخبه از مؤلفه‌های استعداد، همت، تلاش و بردباری استفاده کرده‌اند. تفاوت میان خروج جوانان با خروج نخبگان نیز در اندیشه‌ی ایشان برجسته

است. در جدول زیر ماهیت نخبگان در اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی به طور کامل احصا شده است.

جدول ۳. محور ماهیت نخبگان در اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی

هدایای نفیس الهی به ملت و کشور	به‌منزله‌ی موتور محرکه‌ی حرکت انقلاب
دارای رسالت تاریخی و عظیم	وجود مؤلفه‌های استعداد، همت، تلاش و بردباری درون مفهوم نخبگی
توانایی سررشته‌داری حرکت مردم، مشروط به اخلاص و شجاعت	اهمیت حرکت به‌سوی قله‌ی تمدن انسانی
نخبه بودن به عنوان یک ارزش	نخبگان به مثابه‌ی سرمایه‌های معنوی کشور
تماماً مترادف نبودن خروج جوانان از کشور با مفهوم خروج نخبگان	نخبگان به‌منزله‌ی ذخائر کشور
نخبه به‌عنوان سرباز در میدان پرورش، پیشرفت و تولید علم	---

۵-۲. ملزومات و وظایف مسئولان

وظایف مسئولان هم در بر گیرنده‌ی تکالیف بنیاد ملی نخبگان و هم سایر سازمان‌ها و متولیان است. این ملزومات شامل مجموعه‌ای از امور مدیریتی، سیاسی، حمایتی، فرهنگی و رفتاری است. به‌عنوان مثال، رهبر انقلاب اسلامی بر لزوم برقراری حرکت شبکه‌ای سازنده برای پرورش نخبه تأکید دارند. در این میان، رفع نقایص در عمل کردن به سند راهبردی امور نخبگان از ضروریات است. همچنین، باید از قرار دادن نخبگان در پیچ و خم‌های بروکراسی اداری پرهیز شود. ایجاد میدان کار برای نخبگان لازمه‌ی علاقه‌ی نخبه به ادامه‌ی راه و استفاده از نخبگان در سطوح مدیریت میانی به ویژه نخبگان دارای رویکرد دینی از جمله موارد قابل تدقیق هستند.

جدول ۴. محور ملزومات و وظایف مسئولان نسبت به نخبگان در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی

لزوم شکل‌گیری هسته‌های نخبگانی	وجوب نگاه جدی، عملیاتی و دل‌سوزانه به نخبگان
ضرورت نخبه‌باوری از سوی مسئولان	نیازمند مدیریت قوی در بنیاد مستقل از دانشگاه‌ها
کار خواستن از نخبگان	ایجاد حس نافع بودن در نخبگان به‌عنوان شرط ثابت قدمی و پایداری
ایجاد فرصت پژوهش، تحصیل و پیشرفت به‌عنوان اولویت حمایت از نخبه	توجه به امور فرهنگی
اهمیت حمایت‌های مالی و مادی	نیازمند تنفس علمی
اهمیت شناسایی، انتخاب و سطح‌بندی نخبگان	لزوم برقراری حرکت شبکه‌ای سازنده برای پرورش نخبه
ضرورت تعمق عالمانه و حکیمانه در خود مفهوم نخبگی	فراهم آوردن شرایط نشاط علمی از سوی بنیاد
ایجاد میدان کار برای نخبگان لازمی علاقه‌ی نخبه به ادامه‌ی راه	ضرورت تشکیل بانک اطلاعات از دانشه‌ها و نداشته‌ها
ارج قائل شدن برای نخبگان	فراهم کردن فرصت ظهور و بروز
لزوم برقراری تعامل میان نخبگان با نظام مدیریت کشور	برنامه برای خطر شناسایی کردن نخبگان برای خارج کردن از کشور
لزوم تلاش شبانه‌روزی بنیاد برای نخبگان	مواظبت از مخاطرات نظام سلطه برای نخبگان مانند جذب، امحاء، بیکار کردن یا مشغول ساختن
شنیدن حرف نخبگان از سوی بنیاد	شناسایی، جذب، هدایت و سازمان‌دهی نخبگان از سوی بنیاد
رفع نقایص در عمل کردن به سند راهبردی امور نخبگان	استفاده از نخبگان در سطوح مدیریت میانی به‌ویژه نخبگان دارای رویکرد دینی
ایجاد دیپلماسی عمومی مانند گردآوری نخبگان جهان اسلام و منطقه	تأکید بر پرداختن به نخبگان علوم انسانی
برخورد شکلی و تشریفاتی نکردن با محصولات فکری نخبگان از سوی مسئولان	لزوم برقراری استحکام روحی و روانی برای نخبگان
کنار گذاشتن جناح‌بندی‌های سیاسی در استفاده از نخبگان برای تحول کشور	ایجاد رقابت قوی، سازنده و جدی میان نخبگان
توجه به نخبه‌شناسی و نخبه‌پروری در دانشگاه‌ها به‌ویژه در تحصیلات تکمیلی	مصون نگه داشتن فرهنگ عمومی کشور به‌عنوان پیش‌نیاز حرکت نخبگان
جذب شدن در پژوهشگاه‌های مستقر در دانشگاه‌ها	لزوم فراهم شدن امکانات و مقدمات سخت‌افزاری و نرم افزاری
ایجاد نظام رصد برای خروجی فعالیت‌های نخبگان	پرهیز از قرار دادن نخبگان در پیچ‌وخم‌های بروکراسی اداری
لزوم بزرگداشت و تکریم نخبگان علمی از سوی رسانه‌ها مانند توجه به نخبگان ورزشی	دل‌گرم کردن نخبگان
خودداری از به وجود آوردن حس بن‌بست در میان نخبگان	ترویج فرهنگ متعهد بودن نخبه به جامعه
لزوم اطلاع‌رسانی‌های مقتضی به نخبگان	اشکال نداشتن خروج نخبگان از کشور با قصد تکمیل کردن خود و بازگشت
پاسخ‌گویی به ابهامات، مشکلات و تصورات نادرست نخبگان از سوی بنیاد	سهل‌الوصول بودن مسئولان امور نخبگان برای ایشان

۵-۳. نقش و تعهدات نخبگان

نقش اجتماعی و تعهدات نخبگان طیف وسیعی را شامل می‌شود. از نظر رهبر انقلاب اسلامی، نخبگان باید در کنار کمیّت، توجه مضاعفی به کیفیت آثار خود

داشته باشند. لازم است که آثار و تولیدات، معطوف به نیازهای کشور و بهبود وضعیت مردم باشد که این موضوع، نشان‌دهنده‌ی رویکرد مسئولیت اجتماعی از سوی رهبری است. نخبگان موظف هستند با نگاهی معطوف به آینده، برای پیشرفت کشور به لحاظ موانع، فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف، رصد و برنامه‌ریزی داشته باشند. در این میان، نخبگان انقلابی و مؤمن، سهم مضاعفی را برای ایجاد تحول عهده‌دار هستند. الگوسازی برای پیشرفت ایران اسلامی و به پیش بردن انقلاب و اهداف تمدنی آن از دیگر تعهدات نخبگان به‌شمار می‌رود.

جدول ۵. محور نقش و تعهدات نخبگان در اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی

پیشرفته و قدرتمند کردن کشور	اهمیت داشتن حرف نو در کنار سایر نظرات جهانی
لزوم افزایش شاخص‌های کیفی برای تولیدات علمی نخبگان	اهمیت قرار گرفتن نخبگان، در خدمت نیازهای کشور
رفع نا آگاهی از نیازهای واقعی کشور	احساس مسئولیت و تعریف دیدگاه نسبت به آینده
مراقبت از کشور	لزوم داشتن تحلیل نسبت به اوضاع کشور
توجه به اقتصاد مقاومتی از سوی نخبگان	نقش نخبگان در برنامه‌ریزی برای کشور
رساندن کشور به موضع اقتدار و عزت و کاستن از آسیب‌ها	اهمیت رسیدن به سطح نخبگی پیش‌رونده و فعال
توجه به فضای جامعه و مردم به عنوان هدف بالاتر برای نخبه	ارائه‌ی راه حل‌ها برای مسائل اجتماعی و اقتصادی
قانع نبودن به تلاش و پیشرفت کنونی	رصد و برنامه‌ریزی برای پیشرفت کشور به لحاظ موانع، فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف
آسیب‌شناسی و اصلاح متن زندگی به عنوان بخشی از تمدن	اهمیت تولید علمی ناظر به نیازهای کشور
اهمیت ایجاد تحول از سوی نخبگان انقلابی و مؤمن	مواظبت نخبگان برای استفاده از ظرفیت‌های داخلی با تکیه به مردم
داشتن مأموریت برای حفظ انقلاب	در فکر ایجاد تحول بودن برای بخش‌های مختلف تمدنی کشور
زرف‌نگری و گشودن باب‌های جدید	اهمیت استمرار در خلق اندیشه‌های نو فارغ از حمایت مسئولان
نقش در ایجاد قدرت ملی	لزوم حضور در میدان جنگ نرم
ایفای نقش برای بهبود اوضاع کشور و زندگی مردم	اندیشیدن به مطالبات عمومی و مصالح کشور
شناختن واقعیت و گزینش بهترین راه برای کشور به عنوان اولین وظیفه‌ی نخبگان	الگوسازی برای پیشرفت ایران اسلامی
جلوگیری از خطر اشتباه در شناخت مشکلات مردم و خواسته‌های آنان	اهمیت مدیریت راه آزاداندیشی، نوآوری و تحول از سوی نخبگان برای اجتناب از ساختارشکنی

۴-۵. ملاحظات اخلاقی و شخصیتی مربوط به نخبگان

یکی از تفاوت‌های آشکار و ممتاز در اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی نسبت به بسیاری از متفکران و سیاست‌مداران، توجه دادن نسبت به ملاحظات هویتی، اخلاقی و معنوی برای ارتقای شخصیت فردی و بالتبع، اصلاح اجتماعی است. ایشان مجموعه‌ای از صفات اخلاقی را شامل منبّهات و خصائل ایجابی

مطرح کرده‌اند که هم ناظر به اخلاق حرفه‌ای و کاری و هم اخلاق زندگی فردی و اجتماعی است. به نظر می‌رسد که توجه به فرهنگ اسلامی و ایرانی به‌عنوان منشأ روح‌بخشی حلقه‌ی اتصال بسیاری از آن اخلاقیات است.

جدول ۶. محور ملاحظات اخلاقی و شخصیتی نخبگان در اندیشه رهبردی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی

لزوم مراقبت از خود در برابر ترور فکری	دارای انضباط، تدین، حرکت، عقل و خرد
ضرورت تقویت هویت ملی و آرمان‌خواهی برای مصونیت در برابر فریب دشمنان	تقوا، پرهیزکاری، پاک‌دامنی و توجه به خدا
توجه به مسئله وحدت	عدالت‌خواهی، انحصار شکنی و ستم‌ستیزی
توجه به فرهنگ اسلامی و ایرانی به‌عنوان منشأ روح‌بخشی	تقویت پابندی دینی و شرف ملی
قدرت پیدا کردن در صورت داشتن دلستگی‌های معنوی	توجه به مسئله عدالت
تفهم برجستگی خود بدون ادعا و با شخصیت، هویت و ذات خود	امید بستن به بیگانگان
پرهیز از غرور، خود-بیش‌بینی و طلب‌کاری	امیدواری و امیدآفرینی
مردمی و متواضع بودن	توجه به تفاوت میان تعهد و توقع میان نخبگان
ترجیح ندادن روحیه‌ی به فکر سرنوشت خود بودن بر سرنوشت کشور	دوری از نخوت‌گرایی و تکبر
---	برخوردار از اخلاق، معنویت و تزکیه

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اصول چهارگانه‌ی مندرج در اندیشه‌ی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی درباره‌ی نخبگان (به‌مثابه‌ی یک چشم‌انداز)، دارای محورهای متنوع و حائز اهمیتی است که هم باید نخبگان و هم مسئولان (به‌ویژه بنیاد ملی نخبگان) از آنها مطلع باشند و نوعی مطالبه‌گری دو جانبه بر مبنای الگوی تکالیف-حقوق به‌وجود بیاید. در جمهوری اسلامی ایران، نخبگان به‌عنوان گروهی خودخواه، دارای منافع جدا از مردم و بی‌توجه به سرنوشت آینده‌ی انقلاب و کشور نیستند. به نظر می‌رسد که شاخص‌سازی از تعریف نخبگی و پایش وضعیت شخص نخبه در کشور بر اساس برخی معیارهای بومی و دینی باید تقویت شود. اگر بنا باشد که نخبگان بی‌تفاوت نسبت به وضعیت مردم و بی‌اعتنا نسبت به هویت ملی و اسلامی پرورش بیابند و بعضاً در سطوحی از عرصه‌های کشور به‌کار گرفته شوند، نوعی تضییع حقوق عموم مردم و سایر نخبگان است. در این میان، نخبگان علوم انسانی (اسلامی) می‌توانند به ایفای نقش‌آفرینی سترگی همت گمارند.

احتجاج مقاله این است که رویکرد نظری سیستم اجتماعی و پویایی گروهی

نسبت به نخبگان کمک می‌کند تا با اتخاذ رویکردی میانی (نه خرد و نه کلان)، جوانب مختلف موضوع به لحاظ ارزشی، هنجاری، هویتی، تقسیم‌کار، تعاملات درون-گروهی و برون-گروه، احتیاطات نسبت به مخاطرات درونی و بیرونی، انگیزه‌ها و انتظارات، روابط کنترلی و نظم در نظر گرفته شود. اجتناب از انتظار بنگاهی و تجاری از نخبگان (به‌ویژه نخبگان علوم انسانی) و حرکت به سمت مسئولیت اجتماعی از ضروریات است. به هر حال شاید، نخبگان علوم انسانی مصائب و موانع بیش‌تری دارند.

صرف نظر از دوگانه ناهم‌ساز بروکراسی-نخبگان، مسائل نخبگان وسیع است که باید در مقاله‌ی دیگری به طور مبسوط و مستقل بدان پرداخته شود. نگاه تحقیرآمیز به آنها (خصوصاً از منظر سن کم)، راه نیافتن در اجتماعات علمی مهم، فاصله‌گیری برخی جمع‌ها و مدیران از نخبگان به دلیل ترس از هوش و مهارت آنها، منفعل کردن نخبگان انقلابی و مؤمن، رقیب‌انگاری نخبگان، مقاومت در برابر ایده‌های نو نخبگان و نبود جایگاهی برای این ایده‌ها در بازسازی و اصلاح رویه‌های و نظامات کشور، نداشتن جایگاه در برنامه‌ریزی و طراحی درسی و رشته‌های در آموزش عالی، واگذاری تسهیلات به ایشان با اخذ تعهدات نامناسب و بعضاً عجیب، نگاه همراه با تردید و اتهام‌آمیز به کثرت آثار علمی آنان، فقدان بهره‌مندی از حقوق مالکیت معنوی به‌طور کامل، عدم راه‌یابی در مجموعه‌ها و شوراهای تحول‌آفرین و غیره، صرفاً گوشه‌ای از مشکلات نخبگان است. تجربه نشان داده است که نخبگان تمایلی به تصدی امور مدیریتی کلان ندارند و عموماً، به‌دنبال ایده‌های پژوهشی و نوآورانه‌ی خود هستند. یکی از راهکارها برای بهره‌مندی از نظرات آنان، این است که مسئولان ملزم به استفاده از گروهی از مشاوران نخبه‌ی جوان باشند. در پایان، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

۱. شاخص‌سازی بر اساس محورهای راهبردی اندیشه‌ی رهبر انقلاب اسلامی هم از سوی جمعی از نخبگان و هم مسئولان،
۲. راه‌اندازی بخشی معطوف و مختص علوم انسانی در چارت سازمانی معاونت علمی ریاست جمهوری و بنیاد ملی نخبگان،

۳. پیش رفتن به سوی حکمرانی در عرصه‌ی امور نخبگان؛ یعنی اداره‌ی امور و تصمیم‌سازی جمعی متشکل از شبکه‌ای از بازیگران ذی‌نفع در سطوح پایین، میانه و بالا،

۴. تشکیل نظام موضوعات و مسائل کشور در بخش‌های مختلف (اقتصاد، بهداشت، سیاست، فرهنگ، فناوری و تعلیم و تربیت و غیره) از سوی نخبگان و ارائه‌ی آن برای برنامه‌ریزی به مسئولان، جهت‌دهی مسائل پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها به سمت نیازهای کشور،

۵. ملزم کردن مسئولان نظام به بهره‌مندی از گروهی از مشاوران نخبه‌ی جوان،
۶. بازنگری ادواری در معیارها و شاخص‌های ارزیابی استعدادهای برتر و سرآمدان و

۷. تفکیک اصولی و متناسب سازی تسهیلات و برنامه‌ها (مانند وینار آینده سازان استان‌ها) بر اساس سطح نخبگان؛ مثلاً اعطای پایه‌های تشویقی به استادیاران جوان یا اعطای سطح دانشجویی در بدو جذب در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به ایشان (در صورت داشتن رزومه‌ی قابل توجه) و اعطای حق تحصیلات تکمیلی به المپادی‌های نوجوان و دانشجویان کارشناسی.

پی‌نوشت‌ها

۱. حجرات، ۱۳

۲. نساء، ۹۵

۳. زمر، ۹

۴. لینک بیانات رهبر انقلاب اسلامی که در واکاوی یافته‌ها و تحلیل‌ها استفاده شده‌اند، به شرح زیر است:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34703>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=37949>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21044>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24176>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27985>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20581>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31105>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40725>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21969>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43719>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21741>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12496>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21208>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17466>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21126>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34912>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17082>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47834>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39581>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=23451>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48588>
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38975>
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33445>
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20831>
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34995>
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45814>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2967>
<https://www.leader.ir/fa/speech/7316>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2612>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2802>
<https://www.leader.ir/fa/speech/3143>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2720>
<https://www.leader.ir/fa/speech/4017>
<https://www.leader.ir/fa/speech/3087>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2938>
<https://www.leader.ir/fa/speech/6056>
<https://www.leader.ir/fa/speech/5793>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2838>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2810>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2636>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2647>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2546>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2658>
<https://www.leader.ir/fa/speech/3076>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2244>
<https://www.leader.ir/fa/speech/3040>
<https://www.leader.ir/fa/speech/13686>
<https://www.leader.ir/fa/speech/2964>

منابع و ماخذ

- اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: جامعه‌شناسان.
- افلاطون (۱۳۶۳)، جمهوری افلاطون، ترجمه رضا مشایخی، تهران: معرفت.
- اینس‌ورث، جیمز (۱۳۹۴)، گزیده دانش‌نامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ترجمه حمیرا ترجمانی، تهران: سولار.
- توکل، محمد و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴)، رهیافت تلفیقی جامعه‌شناسی علم به مهاجرت نخبگان با تأکید بر جامعه ایران، سیاست علم و فناوری، ۲۶: ۸۳-۹۷.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸، ۱۷ مهر)، بیانات در دیدار نخبگان و استعداددهای برتر، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43719>
- روحانی، علی و انبارلو، مسعود (۱۳۹۷)، مطالعه‌ای کیفی از جایگاه نخبگان جوان ایرانی در بستر جامعه ایران، جامعه‌شناسی کاربردی، ۷۰: ۹۳-۱۱۲، 10.22108/jas.2017.102080.1057.
- روحانی، علی؛ سرپاک، مسعود و جوکاری، مهناز (۱۳۹۵)، برساخت فهم و تجربه سرآمدان از فرآیند مشارکت در برنامه‌های بنیاد ملی نخبگان، علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، ۳۲: ۱۱۵-۱۵۲.
- روحانی، علی؛ کشاورزی، سعید و انبارلو، مسعود (۱۳۹۸)، ارائه نظریه زمینه‌ای از رویارویی نخبگان جوان با بروکراسی بنیاد ملی نخبگان، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۸(۴): ۷۴۵-۷۷۲، 10.22059/jisr.2019.276682.828.
- روشه، گی (۱۳۸۷)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی.
- زهره‌ای، محمدعلی؛ نوابخش، مهرداد و رادفر، رضا (۱۳۹۷)، بررسی وضعیت ظرفیت‌سنجی توسعه فرآیند به‌کارگیری نخبگان بر مبنای دیپلماسی فرهنگی کشور، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۰(۴): ۱۴۱-۱۲۳.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱)، سند راهبردی کشور در امور نخبگان، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صادقی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴)، مبانی روش‌شناختی روش پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، راهبرد فرهنگ، ۲۹: ۶۱-۹۱.
- صلواتی، بهرام (۱۴۰۰)، دانشجویان ایرانی بیش‌تر به کدام کشورها مهاجرت می‌کنند؟، <https://www.yjc.news/fa/news/7891814>
- طالب‌زاده، لیلیا و خادمی، ملوک (۱۳۹۷)، مدیریت بهینه منابع انسانی نخبه با بررسی نیازها، موانع و مشکلات و راهکارهای پیشنهادی از دیدگاه خود آنها، مدیریت منابع انسانی، ۳۳: ۲۱۵-۲۳۷.
- عرفان‌منش، ایمان (۱۴۰۰)، ارزیابی وضعیت حکمرانی پایدار در شورای تحول علوم انسانی در چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، الگوی پی‌شرف‌ت اسلامی

ایرانی، ۱۷: ۳۸-۹.

عرفان منش، ایمان و بستان، حسین (۱۳۹۴)، چالش‌های خاستگاه جهان‌بینی سبک زندگی در جامعه‌شناسی پی‌یر بوردیو با فطرت و زیست مؤمنانه، **نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان**، ۲: ۲۶۱-۲۲۷، 10.22059/jstmt.2015.62020.

علی بابایی، یحیی (۱۳۸۷)، **قشربندی اجتماعی**، همدان: نور علم.

عمید، حسن (۱۳۶۲)، **فرهنگ عمید**، تهران: امیرکبیر.

فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۷)، گاه و بی‌گاه دانشگاه در ایران: مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه پژوهی، مطالعات علم و آموزش عالی، تهران: آگه.

قلی‌پور، آرین (۱۳۸۷)، **جامعه‌شناسی سازمان‌ها**: رویکرد جامعه‌شناختی به سازمان و مدیریت، تهران: سمت.

نصر، سیدحسین (۱۳۸۴)، **جوان مسلمان و دنیای متجدد**، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.

وردی‌نژاد، فریدون و بهرامی، شهلا (۱۳۹۴)، **سیاست‌گذاری و مدیریت رسانه**، تهران: دانشگاه تهران.

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، **نقش شیعه در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**، تهران: امیرکبیر.

ویتن، وین (۱۳۸۵)، **روان‌شناسی عمومی**، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: روان.

یزدانی‌نسب، محمد (۱۳۹۴)، بررسی انتقادی تئوری نخبگان در علوم اجتماعی و مفهوم پردازی مجدد آن با تأکید بر ساختار، **جامعه‌شناسی ایران**، ۱۶(۴): ۹۳-۱۱۳.

20.1001.1.17351901.1394.16.4.4.4

یونس، فرید (۱۳۹۴)، **مبانی و اصول جامعه‌شناسی اسلامی**، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، تهران: علمی و فرهنگی.

Dunn, W.N. (1981). *Public policy analysis: An introduction*, CA: Prentice-Hall.

Hartmann, M. (2007). *The sociology of elites*, London and N.Y, Routledge: Taylor & Francis Group.

Klage, J. (1997). Approaches to the iron cage, *Administration & Society*, 29: 63-78.

Merton, R.K. (1998). The Matthew effect in science, *Cumulative advantage and the symbolism of intellectual property*, 79(4): 606-623.

Mintzberg, H. (1994). The rise and fall of strategic planning, *Harvard Business Review*, 72(1), 107-114.

Frederick, W.C., Davis, K., Post, J.E. (1999). *Business and society: Corporate strategy, public policy, ethics*, U.S: McGraw-Hill.

Schneider, E.V. (1957). *Industrial sociology: The social relations of industry and community*, N.Y: McGraw Hill.

Whyte, W.H. (1956). *The organization man*, N.Y: Touchstone Book.

References

- Ali Babaei, Y. (2008). Social stratification, Hamedan: Noor Alam. (in Persian)
- Amid, H. (1983). Farhang Amid, Tehran: Amirkabir. (in Persian)
- Ashtarian, K. (2012). Introduction to the method of cultural policy-making, Tehran: Jame-e-shenasan. (in Persian)
- Dunn, W.N. (1981). *Public policy analysis: An introduction*, CA: Prentice-Hall.
- Erfanmanesh, I. (2021). Evaluation of Substantial Governance Condition in the Council for Humanities Promotion with regard to the Manifest of the Second Step of the Islamic Revolution, The Model of Iranian Islamic Progress, 17: 38-9. (in Persian)
- Erfanmanesh, I. and Bostan, H. (2015). Some challenges of the origin of life style worldview in Bourdieu's sociology versus Fetrat & faithful life, Social Theories of Musliem Thinkers, 2: 261-227, 10.22059 / jstmt.2015.62020. (in Persian)
- Farastkhah, M. (2018). Occasionally University in Iran: New and Critical Discussions on University Research, Science and Higher Education Studies, Tehran: Agah. (in Persian)
- Hartmann, M. (2007). *The sociology of elites*, London and N.Y, Routledge: Taylor & Francis Group.
- Insworth, J. (2015). Excerpts from the Encyclopedia of Sociology of Education, translated by Homeira Tarjani, Tehran: Solar. (in Persian)
- Khamenei, S.A. (2019, 17 October). Statements in the meeting of elites and top talents, Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei, <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43719>. (in Persian)
- Klagge, J. (1997). Approaches to the iron cage, *Administration & Society*, 29: 63-78.

- Merton, R.K. (1998). The Matthew effect in science, *Cumulative advantage and the symbolism of intellectual property*, 79(4): 606-623.
- Mintzberg, H. (1994). The rise and fall of strategic planning, *Harvard Business Review*, 72(1), 107-114.
- Frederick, W.C., Davis, K., Post, J.E. (1999). *Business and society: Corporate strategy, public policy, ethics*, U.S: McGraw-Hill.
- Nasr, S.H. (2005). The Young Muslim and the Modern World, translated by Morteza Asadi, Tehran: Tarh-e-nou. (in Persian)
- Plato (1984). Plato's Republic, translated by Reza Mashayekhi, Tehran: Marefat. (in Persian)
- Qolipour, A. (2008). Sociology of Organizations: A Sociological Approach to Organization and Management, Tehran: Samt. (in Persian)
- Roche, G. (2008). Social Change, translated by Mansour Vosoughi, Tehran: Ney.
- Rouhani, A. and Anbarloo, M. (2018). Qualitative studies of the position of young Iranian elites in the context of Iranian society, *Applied Sociology*, 70: 112-93, 10.22108 / jas.2017.102080.1057. (in Persian)
- Rouhani, A., Sarpak, M., Jokari, M. (2015). Building a leader's understanding and experience of the process of participating in the programs of the National Elite Foundation, *Social Sciences of Islamic Azad University*, 32: 152-115. (in Persian)
- Rouhani, A., Keshavarzi, S., Anbarloo, M. (2019). Presenting a background theory of the confrontation of young elites with the bureaucracy of the National Foundation of Elites, *Studies and Social Research in Iran*, 8 (4): 745-772, 10.22059 / jjsr.2019.276682.828. (in Persian)
- Sadeghi, S. and Erfanmanesh, I. (2015). Methodological introduction of Documentary Research Method (DRM) in Social Sciences (The case of study: Effects of modernization on the Iranian family), *culture strategy*, 29: 91-61.
- Salavati, B. (23 September 2021). Which countries do Iranian students immigrate to the most?, <https://www.yjc.news/fa/news/7891814>. (in Persian)
- Schneider, E.V. (1957). *Industrial sociology: The social relations of industry and community*, N.Y: McGraw Hill.
- Supreme Council of the Cultural Revolution (2012). Strategic document of the country in the affairs of elites, Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution. (in Persian)

- Talibzadeh, L. and Khademi, M. (2018). Optimal management of elite human resources by examining the needs, obstacles and problems and proposed solutions from their own perspective, *Human Resource Management*, 33: 237-215. (in Persian)
- Tavakol, M. and Erfanmanesh, I. (2015). Synthetic Approach of Sociology of Science to Brain Drain Relying on Iran, *Science and Technology Policy*, 26: 97-83. (in Persian)
- Velayati, A.A. (2010). *The role of Shiites in the culture and civilization of Islam and Iran*, Tehran: Amirkabir. (in Persian)
- Venus, M.A., Nawabakhsh, M., Radfar, R. (2018). Investigating the status of capacity development of the process of employing elites based on the country's cultural diplomacy, *Iranian Social Development Studies*, 10 (4): 141-123.
- Verdinejad, F. and Bahrami, S. (2015) *Media Policy and Management*, Tehran: University of Tehran. (in Persian)
- Whitney, W. (2006). *General Psychology*, translated by Yahya Seyed Mohammadi, Tehran: Ravan. (in Persian)
- Whyte, W.H. (1956). *The organization man*, N.Y: Touchstone Book.
- Yazdanisnab, M. (2015). Critical study of elite theory in social sciences and its re-conceptualization with emphasis on structure, *Sociology of Iran*, 16 (4): 113-93, 20.1001.1.17351901.1394.16.4.4.4. (in Persian)
- Younes, F. (2015). *Principles of Islamic Sociology*, translated by Gholamreza Jamshidiha, Tehran: Elmi-va-farhangi. (in Persian)